

متن پیاده سازی شده

بسم الله الرحمن الرحيم

در جلسه قبل رسیدیم به دلیل پنجم اخباری ها؛ بیان دلیل پنجم

دلیل پنجم: اخذ به ظواهر قرآن تفسیر به رای است و تفسیر به رای ممنوع است ولذا اخذ به ظواهر ممنوع است. اشکالات مرحوم آخوند: اشکال اول: اخذ به ظواهر اصلا تفسیر نیست که شما بگویی تفسیر به رای است؛ تفسیر یعنی پرده برداشتن اما اخذ به ظواهر استفاده از مدلول است.

اشکال دوم: اخذ به ظواهر بر فرض که تفسیر باشد اما تفسیر به رای نیست چرا که تفسیر به رای این است که مفسر ذهنیت خود را به قرآن تحمیل کند.

اشکال سوم: تفسیر به رای دو قسم دارد:

الف: تفسیر به رای ممدوح.

ب: تفسیر به رای مذموم.

واخذ به ظواهر از نوع ممدوح است.

ما روایاتی داریم که می فرماید خبریین متعارضیین را عرضه کنید بر قرآن ... آیا ائمه می فرمایند عرضه به چیزی که ظاهرش هم معلوم نیست؟! یا به ما فرموده اند شرطی که مخالف کتاب الله است باطل است؛ آیا سنجه را چیزی قرار داده اند که ظاهرش برای ما معلوم نیست؟!

دلیل ششم: ظاهرا اخباری ها به این دلیل تمسک نکرده اند اما ممکن است تمسک کرده باشند.

بیان دلیل: قرآن تحریف شده است و از آیات آن حذف شده است و لذا هر عامی را اگر بخواهیم اخذ کنیم می گوئیم چه بسا این یک خاصی داشته اما از قرآن حذف شده هر مطلق را بخواهیم اخذ کنیم می گوئیم ممکن است مقیدی داشته که از قرآن حذف شده است و... .

مرحوم آخوند: اینکه می فرمایید در آیات تحریف صورت گرفته است بعید نیست چرا که برخی اخبار هم به این شهادت می دهد و همچنین محاسبات عقلایی هم می تواند موافق با تحریف باشد؛ اما اینکه گفتید تحریف مانع اخذ به آیات الاحکام می شود این درست نیست چرا که شما یقین ندارید همین آیات الاحکام تحریف شده باشد چه بسا آیات عقایدی حذف شده باشد و لذا ظهورگیری ما مشکلی ندارد.

مرحوم آخوند یک استثناء را قبول می کند و آن اینکه: اگر آیه ای نازل شود و ما احتمال دهیم که قرینه ی متصلی داشته که اگر آن قرینه بود مانع از ظهور گیری الان ما میشد در این صورت ظهورگیری با مانع مواجه می شود.

استاد علیدوست: ما برخی از جواب ها را نپذیرفتیم و اشکالاتی را مطرح کردیم. اما راجع به دلیل پنجم اخباری ها: مرحوم آخوند سه اشکال کرد و ما هم باید به این اشکالات بیشتر بپردازیم.

اشکال اول مرحوم آخوند: این بود که اخذ به ظواهر تفسیر نیست؛ استاد علیدوست، اخذ به برخی از ظواهرها تفسیر است مثلا الی المرافق و... مگر تفسیر نیست این برداشت های که ما می کنیم که از کجا مسح شود؟ چه مقدار مسح شود و... تفسیر است. اما دلیل ششم: تحریف قرآن بود و مرحوم آخوند فرمود تحریف قرآن بعید نیست اما تحریف ضرری به اخذ به ظواهر نمی کند. استاد علیدوست: عالمان شیعی در مورد تحریف قرآن 3 موضع دارند.

1: قطع به عدم تحریف (سید مرتضی، شیخ مفید، شیخ طوسی، مرحوم صدوق و از متاخرین مرحوم آقای خوئی و...) دلیل:

عمدتاً از خود قرآن استدلال می کنند مانند انا نحن نزلنا الذكر و انا له لحافظون یا لا یاتیه الباطل من بین یدیه و... یا دلیل عقلی اقامه می کنند بر عدم تحریف.

نکته: اهل سنت به ما تهمت می زنند و می گویند شیعیان قائل به تحریف هستند اما تقیه می کنند.

2: از آیات قرآن حذف شده است مثلاً ربطی بین حرمت علیکم المیتة والدم و... و الیوم ا کملت لکم دینکم نیست و لذا معلوم است آیاتی در این میان حذف شده است.

نکته: از اشتباهات مرحوم میرزای نوری این بود که تمام نوشته های تحریف را جمع کرد و تتبع کرد اما تحقیق نکرد و محاسبات عقلی را لحاظ نکرد و لذا ایشان تحقیقات خوبی ندارند؛ ایشان کتابی به نام فصل الخطاب فی تحریف الکتاب نوشت و اشتباه بزرگی بود و مرحوم امام خمینی به ایشان خیلی حمله کرده است.

3: ما مثل گروه اول قائل نیستیم که قطعاً تحریف نشده و مثل گروه دوم هم نیستیم اما اگر مجبور شویم ما گزینه عدم تحریف را بر می گزینیم.

این نکته که آقای آخوند در مقابل تحریف کوتاه می آید و می فرماید بعض الاخبار و یساعده الاعتبار؛ اخبار بسیار زیاد است و باید وقت مفصلی بگذارید مثل کتاب التمهید آقای معرفت را ببینید یا مثلاً تقریرات الاصول آقا مصطفی خمینی را ببینید.

استاد علیدوست: نکته: اتفاقاً اعتبار دال بر عدم تحریف است نه تحریف؛ ما اگر بخواهیم این بحث را انجام بدهیم باید شش ماه بحث کنیم و لذا نمی توانیم این مقدار وقت در درس اصول بگذاریم.

اما آیه سوره مائده که در مورد ولایت است کاملاً مرتبط است و چیزی حذف نشده است البته باید روایت حضرت جواد را در ذیل آیه دید تا بتوان به این ارتباط پی برد؛ حضرت فرمودند: اوفوا بالعقود مراد عقد ولایت است و در ادامه می فرمایند قبول

ولایت برخی قبول ولایت میتة است قبول ولایت از ناحیه کسی که توانایی مدیریت ندارد و دیگران او را کمک می کنند قبول

ولایت میتة است؛ الدم: مراد کسی است که خون دست کنیزش را می خورد تا آرام بگیرد؛ الخنزیر: کنایه از کسی است که بی

غیرت است و اموال بیت المال را هدر می دهد؛ اهل لغیر الله به: مراد بنی امیه است که یک لحظه نام خدا را نیاورده اند... بعد

در فرض اضطرار می شود ولایت اینها را مقداری پذیرفت مثل علی بن یقطین بعد هم آیه آمده است الیوم ا کملت لکم دینکم... .

الحمد لله رب العالمین